جای خالی عروسک محبوب تلویزیون

«کلاه قرمزی» از دل یک مورچه درآمد و ناگهان غیب شد!

اگر در ایران زندگی کرده و کودکی و جوانی را همین‌جا گذرانده باشید، بدون‌شک با «کلاه‌قرمزی» چند سالی را زندگی کرده‌اید یا دست‌کم در بخشی از خاطراتتان یادش می‌کنید؛ پسرکی دل‌وزبان‌یکی، با پیژامهٔ سبز و پیراهن راه‌راه آبی که یکریز روده‌درازی می‌کرد و اگر قلبش از جنس اسفنج نبود، احتمالاً امروز مرد بزرگی شده بود و خودش فرزندی داشت. اما حالا مدتی است که این «همدم و همکار مجری»، بین مناسبات آدم‌بزرگ‌ها گم شده؛ خاطراتش کم‌وبیش در حافظه‌ها پرسه می‌زند اما جسمش میان تیر و تخته‌های آرشیو انباری صداوسیما، بی‌صدا می‌پوسد، غافل از این‌که «عروسک‌ها» هرگز بازنشسته نمی‌شوند.

به‌گزارش ایسنا، مرضیه محبوب، طراح و سازندهٔ عروسک‌های مجموعه «کلاه‌قرمزی» چندین سال پیش گفته بود، «کلاه‌قرمزی» در سال ۱۳۶۰ از دل یک مورچه درآمد و «پسرخاله» از یک «پینه دوز»؛ آن‌ها آمدند که مهمان یک برنامه باشند، اما آن‌قدر شخصیت‌های‌شان خوب و جذاب از آب درآمد که ماندگار شدند.

حمید جبلی هم که یکی از اعضای آن گروه بود، برای این عروسک‌ها صدایی ساخت. او بعدها با ظاهری جدید در برنامهٔ «صندوق پست» یا «جغجغه و فرفره» که اوایل دههٔ ۱۳۷۰ پخش می‌شد و ایرج طهماسب اجرای آن را بر عهده داشت، ظاهر شد. موضوع اصلی «صندوق پست» خواندن نامه‌های ارسالی بچه‌ها برای این برنامه بود.

«کلاه‌قرمزی» رفته‌رفته سری میان سرها درآورد و پس از محبوبیت در تلویزیون، در سه فیلم سینمایی بازی کرد؛ «کلاه‌قرمزی و پسرخاله» (۱۳۷۳)، «کلاه‌قرمزی و سروناز» (۱۳۸۱) و «کلاه‌قرمزی و بچّه‌ننه» (۱۳۹۱). در تمام این آثار، محور اصلی «کلاه‌قرمزی» بود و عروسک‌های دیگری نیز در کنار او حضور داشتند؛ «پسرخاله» این همپای همیشگی، در تمام فیلم‌ها پابه‌پای او درخشید.

«کلاه‌قرمزی» در سال ۱۳۸۵ در یک مجموعه چهار قسمتی به نام «کلاه‌قرمزی در فرنگ» به شبکهٔ نمایش خانگی راه پیدا کرد تا اینکه از سال ۱۳۸۸ با همراهی چند عروسک دیگر مانند «پسرعمّه‌زا»، «گیگیلی» و ... در قالب جُنگ نوروزی دوباره پایش به تلویزیون باز شد. برنامه‌های نوروزی کلاه‌قرمزی از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ ادامه داشت و هر سال شخصیت‌های عروسکی جدیدی به این مجموعه اضافه می‌شدند؛ «جیگر»، «ببعی»، «دیبی»، «فامیل دور»، «بچّهٔ فامیل دور»، «دختر همساده»، «آقای همساده»، «گابی»، «عزیزم ببخشید»، «گدا» و... هرکدام به نحوی پای ثابت این مجموعه شدند.

شروع فصل انزوا و بازنشستگی «آقای قرمزکلاه»

علی‌رغم این‌که «کلاه‌قرمزی» با استقبال و بازخوردهای قابل قبولی از سوی مردم مواجه بود، اما در آخر، رویای شیرین عروسک‌های دوست‌داشتنی این مجموعه، به‌دلیل اختلافات سالانه میان سازندگان اثر و مدیران صداوسیما به پایان رسید و باعث به تعویق افتادن زمان پخش و در نهایت به قطع پخش «کلاه‌قرمزی» منجر شد. زمزمه‌های قطع این همکاری در سال‌های ۱۳۹۵ (در پی فوت دنیا فنی‌زاده، عروسک‌گردان کلاه‌قرمزی)، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ به گوش می‌رسید؛ کما این‌که با وجود ساخت و تولید این سه فصل از مجموعه، صداوسیما حاضر به پخش آن‌ها نشد. در سال‌های غیبت عروسک‌های مجموعه «کلاه‌قرمزی»، بسیاری از مخاطبان و دوستداران آن در فضای مجازی با طرح مسئله از ایرج طهماسب و حمید جبلی خواستار تولید و پخش قسمت‌های تازه‌ای از این مجموعه خارج از صداوسیما شدند اما چنین چیزی قانوناً ممکن نیست و گردانندگان نیز صراحتاً این مسئله را اعلام کردند؛ چراکه «حق انتشار یا کپی رایت» این مجموعه متعلّق به سازمان صداوسیماست و سازندگان آن نمی‌توانستند بعد از کوچ از صداوسیما، عروسک‌ها را خارج کنند. از آن‌جایی‌که صداوسیما برنامه‌ای برای تولید اپیزودهای جدید با این عروسک‌ها ندارد و از طرفی دیگر خالقان این مفاهیم، تمایلی به همکاری با صداوسیما نشان نداده‌اند، عروسک‌ها به امید روزی که دستی روی سر و گوش‌شان کشیده شود و آن‌ها را به حرکت وادارد، در انبار صداوسیما مدفون شده‌اند.

این اولین‌بار نیست که یک مجموعه تلویزیونی به چنین سرنوشتی دچار می‌شود؛ پیش‌تر و بعدتر نیز چنین اتفاقاتی برای برنامه‌های دیگر، خصوصاً کاراکترهای عروسکی مانند «جناب‌خان» افتاده بود. چنانچه هر بار با توقف برنامه «خندوانه» عروسک جناب خان نیز از آنتن محو شد و حالا که رئیس صداوسیما تاکید کرده که فعلا قصد ساخت مجدد این برنامه را ندارند، سرنوشت «جناب خان» هم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ حتی در مقطعی در زمان برگزاری مسابقات جام جهانی این گمانه مطرح شد که جناب خان با ویژه برنامه ای برای جام جهانی به آنتن برمی‌گردد که این اتفاق هم عملی نشد. و این درحالی است که یکی از بزرگ‌ترین و همیشگی‌ترین پرسش‌های مخاطبان در مواجهه با چنین مشکلاتی این است که چرا دود آتش اختلاف سلیقه و مشکلات سازندگان و رسانهٔ پخش‌کننده، به چشم مخاطب می‌رود؟!

تلویزیون باید کارت‌های شانسش را رو کند

شاید در حال حاضر که صداوسیما با مشکل جذب مخاطب دست‌وپنجه نرم می‌کند، بتواند با بیرون کشیدن نوستالژی‌های قدیمی، مجدداً جذب مخاطب کند؛ هرچند لازمهٔ اجرایی کردن صحیح آن، «تعامل دوباره با سازندگان» است و البته به روز کردن تولیدات با خواسته‌های مخاطب امروز. چراکه در غیر این صورت، همانند آنچه در ادامه ساخت سریال‌هایی مانند «داستان یک شهر» و «روزگار جوانی» در همین اواخر شاهد بودیم نه تنها برگ جدیدی برای صداوسیما رو نمی‌شود که طعم شیرین فصل‌های گذشته این مجموعه‌ها نیز از یادها خواهد رفت.

ضمن اینکه در راستای اختلاف نظرهای صداوسیما با فعالان شبکهٔ نمایش خانگی که این روزها بخش عمده ای از بدنه سینمای ایران را شامل می‌شوند، به نظر می‌رسد، بهبود این روابط هم حالا سخت‌تر از گذشته شده باشد. اما در شرایطی که در حال حاضر صداوسیما با آن مواجه است، حداقل باید تلاش کند تا جایگزین‌های جدیدی را برای رفته‌ها معرفی کند و تحقق این مهم بیش از همه نیازمند همراهی با نیروهای حرفه ای و خلاق است که باید دید آیا در این سالها صداوسیما توانسته چنین افرادی را پرورش دهد یا باید سال‌ها منتظر بود تا شاید مجموعه ای با موفقیت «کلاه قرمزی» تکرار شود.

معبد آناهیتا برای ثبت در یونسکو به پرونده طاق بستان و عمارت خسرو پیوست

مدیر پایگاه ملی میراث فرهنگی معبد آناهیتا کنگاور از آغاز کاوش‌های باستان‌شناسی در این مجموعه بعد از گذشت دو دهه خبر داد و گفت: در صورت تخصیص بودجه کار را از اسفندماه سال جاری آغاز خواهیم کرد.

به گزارش ایلنا، در سال ۱۳۴۷ کاوش‌های باستان‌شناسی در معبد آناهیتا آغاز و تا سال ۱۳۵۶ ادامه یافت. پس از آن شاهد وقفه‌ای طولانی در کاوش‌ها بودیم و در سال‌های بعد نیز کاوش‌های جسته و گریخته‌ای انجام گرفت که با توجه به وسعت ۵ هکتاری عرصه، پاسخگوی سوالات مطرح شده درباره این معبد نبود. اکنون حدود دو دهه است که کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه متوقف شده‌اند. البته بازدیدکنندگان نیز مطالبی درخصوص چرایی مغفول ماندن این اثر مطرح می‌کنند و خواستار رسیدگی بیشتر هستند.

مرتضی گراوند (مدیر پایگاه ملی میراث فرهنگی معبد آناهیتا کنگاور) گفت: اگر به زودی اعتبارات استانی و اعتباراتی که در سفر ریاست جمهوری برای کاوش در معبد آناهیتا در نظر گرفته شد، تخصیص یابد، در اسفند ماه کاوش‌های باستان‌شناسی در این محوطه آغاز خواهد شد.

مدیر پایگاه ملی میراث فرهنگی معبد آناهیتا کنگاور افزود: اساسی‌ترین معضل و مشکل معبد آناهیتا به مسئله گاهنگاری و شناخت اثر بازمی‌گردد چراکه در منابع و متون تاریخی دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده که بعضا متناقض هستند.

این مسئله که این بنا اشکانی یا ساسانی است، با شبهاتی روبه روست که کاوش‌های باستان‌شناسی می‌تواند پاسخ این شبهات را بدهد. برخی از مورخین این بنا را معبد آرتمیس یا همان آناهیتا می‌دانند چراکه می‌دانیم در دوره آشور به وجود معبد ایشتار در کنگاور اشاراتی شده است و در ادوار دیگر نیز جغرافی‌دان یونانی هنگام گذر از جاده ارتباطی از معبد آرتمیس دیدن کرده و گفته که در کنگاور است. ضمن آنکه پلان پلکانی این بنا می‌تواند صحه‌ای بر معبد بودن آن بگذارد. همچنین در متون اسلامی به کرات به این نکته اشاره شده که این مکان کاخ خسرو و قصری برای شیرین است.

مدیر پایگاه ملی میراث فرهنگی معبد آناهیتا کنگاور یادآور شد: ما می‌دانیم که استقرارهای دوره‌های بعد و ساخت و سازهای محلی در دوره اسلامی در پیرامون این بنا، آسیب‌های زیادی به اثر وارد کرده و سبب برهم ریختگی مواد فرهنگی شده. تخریب‌هایی صورت گرفته و الحاقاتی انجام شده این تغییر و تحولات سبب شده تا بنا ساختار اصلی خود را از دست دهد چنانکه در دوره قاجار و پهلوی به این منطقه گچ کند می‌گفتند چراکه بیش از ۵۰ بنای مسکونی روی محوطه ساخته شد و حتا برای ساخت آن‌ها از مصالح و مواد این بنای باستانی استفاده کرده‌اند که تخریب‌های زیادی را به همراه داشت.

جشنواره فیلم فجر و دردسری به نام توقیف

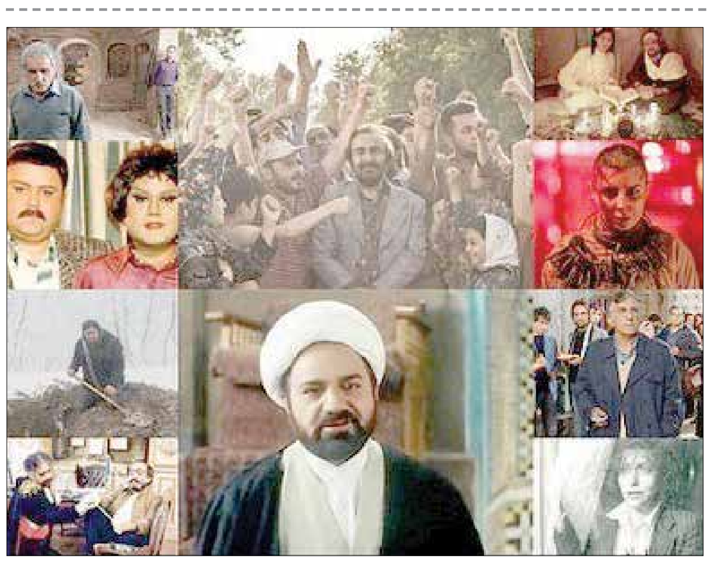

در گذشته‌ای نه چندان دور یکی از جذابیت‌های جشنواره فیلم فجر که باعث می‌شد مشتاقان زیادی برای پیدا کردن بلیت سر و دست بشکنند، تماشای نسخه «اصل» فیلم‌ها بود. چون می‌دانستند که فقط در این جشنواره و برای همین یک بار فیلم‌ها پیش از آنکه از تیغ سانسور بگذرند، روی پرده نمایش داده می‌شوند اما چند سالی است که این هم این ویژگی مهم از جشنواره گرفته شده و هم سرنوشت چند فیلم پس از یک دهه رونمایی در جشنواره هنوز مشخص نشده است.

به گزارش ایسنا، در بسیاری از دوره‌های جشنواره فیلم فجر فیلمسازانی که متقاضی شرکت در این رویداد بودند، تنها دغدغه‌شان رساندن فیلم به جشنواره بود، بخصوص در دوره‌هایی که هنوز بساط دیجیتال وارد سینما نشده بود و صاحبان فیلم‌ها تا دقیقه ۹۰ در تکاپوی آماده کردن فیلم خود برای نمایش در اولین سکانس بودند. در این مورد خیلی از خبرنگاران قدیمی خاطراتی دارند از زمانی که یک فیلم در چند بخش به سینمای مطبوعات می‌رسید و روی پرده می‌رفت.

اما این تکاپو و و اضطرابی که فیلمسازها در آن ایام تجربه می‌کردند، چند سالی است که جای خود را به یک نگرانی داده؛ اینکه آیا فیلمشان از سد شورای پروانه نمایش می‌گذرد یا خیر! البته این مسئله، دغدغه تمام شرکت‌کنندگان در جشنواره فجر نیست ولی به هرحال حساسیت‌ها در ۱۵-۱۰ سال گذشته هر سال بیشتر شده است.

مروری بر ادوار مختلف جشنواره فجر، فیلم‌هایی را به خاطر می‌آورد که یا اصلا اجازه شرکت در جشنواره را پیدا نکردند یا پس از رونمایی در جشنواره، مسیر اکران عمومی آن‌ها با توقیف یا سانسور بیشتر تغییر کرد.

حالا در آستانه چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر و به بهانه معرفی ۲۴ فیلم بخش سودای سیمرغ که طبق آیین‌نامه‌های چند سال گذشته، قاعدتا پروانه نمایش همه آن‌ها برای حضور در این رویداد صادر شده، اسامی برخی فیلم‌های معروف را مرور خواهیم کرد که یا فرصت دیده شدن در جشنواره فجر را به دلیل ممیزی پیدا نکردند یا برای اولین و آخرین بار در آنجا به نمایش گذاشته شدند.

«خط قرمز» به عنوان اولین فیلم مسعود کیمیایی پس از انقلاب اسلامی شناخته می‌شود؛ فیلمی که در سال ۱۳۶۰ ساخته شد و در نخستین جشنواره فیلم فجر هم در سال ۱۳۶۱ به نمایش درآمد اما بعدها به دلیل حجاب بازیگران مجوز اکران عمومی نگرفت.

«مرگ یزدگرد» به کارگردانی بهرام بیضایی هم که در سال ۱۳۵۸ ساخته شد، در همان سال ۱۳۶۱ در جشنواره فیلم فجر رونمایی شد ولی آن هم اجازه اکران عمومی نگرفت.

«سفیر» ساخته فریبرز صالح در سال ۱۳۶۱ است که در اولین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد ولی به فهرست فیلم‌های توقیفی آن دوره اضافه شد.

«حاجی واشنگتن» فیلمی از علی حاتمی است که همانند سه فیلم دیگر در نخستین دوره جشنواره فیلم فجر نمایش داده شد ولی تا سال ۱۳۷۷ اجازه اکران نداشت و ۱۶ سال پس از مرگ کارگردانش رنگ پرده را دید.

«در مسلخ عشق» فیلمی به کارگردانی و نویسندگی کمال تبریزی ساخته سال ۱۳۶۹ است که در نهمین جشنواره فیلم فجر از آثار بخش مسابقه بود. این فیلم به‌خاطر موضوع فیلم موفق به نمایش بعد از جشنواره نشد. تبریزی در این زمینه گفته بود: «در مسلخ عشق» فیلمی ساختارشکنانه محسوب می‌شد، چون آن زمان هر فیلمی که راجع به جنگ ساخته می‌شد در خصوص پیروزی بود اما این فیلم راجع به شکست نیروهای ما و درنهایت عقب‌نشینی آن‌ها بود که هرگز اجازه نمایش نگرفت.

بعد از آن هم به قدری فیلم مُثله و تکه پاره شد که قابلیت اکران نداشت.

«نوبت عاشقی» به کارگردانی محسن مخملباف هم مانند فیلم تبریزی در جشنواره فیلم فجر ۱۳۶۹ حضور داشت ولی به دلیل اعتراض‌ها به درونمایه فیلم که به سوسیالیسم جنسی نسبت داده می‌شد از اکران بازماند و به فهرست توقیفی‌ها اضافه شد.

در نهمین دوره جشنواره فیلم فجر فیلم دیگری از مخملباف با نام «شب‌های زاینده رود» نمایش داده شد که در دو بخش بهترین فیلمنامه و صدابرداری نامزد دریافت جایزه شد اما بعد از پایان جشنواره هرگز رنگ پرده را ندید.

«ناصرالدین شاه آکتور سینما» فیلم دیگری از محسن مخملباف در دهمین دوره جشنواره فجر رونمایی شد و اگرچه ابتدا با مشکل روبه‌رو بود و از آن انتقاد می‌شد اما توانست یک سال بعد راهی اکران شود.

«بانو» به کارگردانی و نویسندگی داریوش مهرجویی از دیگر فیلم‌های مسئله‌دار سینما شد که در بازبینی‌های دهمین جشنواره فجر تایید نشد و پس از فشارهای زیاد ممنوع از اکران شد.«آدم‌برفی» ساخته داوود میرباقری یکی از مصداق‌های مشهور سینما در موضوع سانسور است. این فیلم در بخش آثار اول و دوم جشنواره فجر در دوره سیزدهم جشنواره فجر و در سال ۱۳۷۳ نمایش داده شد ولی سه سال در توقیف بود تا بعد از کلی ماجرا سال ۷۶ به اکران رسید.

«دیدار» به کارگردانی محمدرضا هنرمند هم در سیزدهمین دوره جشنواره فجر رونمایی شد و اگرچه مینا لاکانی جایزه بهترین بازیگر زن را گرفت اما خود فیلم حدود سه سال توقیف شد.«مارمولک» یکی از جنجالی‌ترین فیلم‌های سینمای ایران است که با وجود استقبال در جشنواره فجر بیست‌ودوم و با وجود جایزه‌های متعددی که کسب کرده بود، به محاق توقیف رفت. این فیلم به کارگردانی کمال تبریزی محصول سال ۱۳۸۲ است که چند روز پس از اکران عمومی به دلیل فشارهای زیاد و اینکه از فیلم، توهین به روحانیت برداشت شد، از پرده سینماها پایین آمد و بعد از مدتی هم نسخه پرده‌ای آن به بیرون درز کرد. این فیلم ۱۷ سال پس از توقیف، مجوز عرضه در شبکه نمایش خانگی را گرفت و بعد هم از تلویزیون پخش شد. «به رنگ ارغوان» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا نیز قرار بود در جشنواره فجر سال ۱۳۸۳ نمایش داده شود ولی با حساسیت‌هایی که بر سر داستانش ایجاد شد و پای وزارت اطلاعات به میان آمد، با نامه خود حاتمی‌کیا به وزیر وقت اطلاعات از جدول جشنواره خارج شد، به این امید که فرصت بهتری برای نمایش داشته باشد ولی پنج سال در توقیف ماند تا سرانجام به جشنواره فجر سال ۱۳۸۸ و بعد اکران عمومی رسید.

«آفساید» اثری از جعفر پناهی در سال ۱۳۸۴ است که در جشنواره فجر بیست‌وچهارم با حضور کارگردانش به نمایش درآمد و پناهی هم بابت تماشای فیلمش در کنار هموطنان خود ابراز خوشحالی کرد اما با توجه به سوژه حساسیت‌برانگیز آن درباره حضور زنان در ورزشگاه مجوز اکران نگرفت.

«سنتوری» یکی از تلخ‌ترین سرنوشت‌ها را در میان فیلم‌های توقیفی دارد؛ فیلمی به کارگردانی داریوش مهرجویی در سال ۱۳۸۵ که با حاشیه‌هایی در جشنواره فجر بیست‌وپنجم رونمایی شد و برای بهران رادان هم سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول را به ارمغان آورد اما چند ماه بعد و در آستانه اکران عمومی، از نمایش فیلم جلوگیری شد تا سرانجام سی‌دی‌های قاچاق فیلم به خیابان رسید. چند سال بعد فرامرز فرازمند تهیه‌کننده فیلم بر اثر یک سکته قلبی به طور ناگهانی از دنیا رفت. مهرجویی همواره معتقد بود که او به‌خاطر ماجراهای «سنتوری» دق کرد و البته خودش هم هیچ‌گاه از زیر بار فشار سنگین توقیف و قاچاق این فیلم رها نشد.

«گزارش یک جشن» یکی دیگر از ساخته‌های ابراهیم حاتمی‌کیا است که در بیست‌ونهمین جشنواره فیلم فجر و پس از سال پرحادثه ۱۳۸۸ با نگاهی به همان اتفاق‌های سیاسی تولید شد و به نمایش درآمد. اما این تنها نمایش گسترده فیلم تاکنون بوده و بعد توقیف شد و هیچگاه به اکران نرسید. البته در سال‌های اخیر و پس از فروش فیلم به سازمان سینمایی، گفته می‌شد که دست‌اندکاران فیلم تمایلی به اکران آن ندارند.

«خیابان‌های آرام» هم ساخته کمال تبریزی در سال ۸۹ است که در بیست‌ونهمین دوره جشنواره فجر حضور داشت. این فیلم که داستان شش دیوانه را روایت می‌کند که با فرار از بیمارستان باعث ایجاد مشکلاتی در سطح شهر می‌شوند، بیش از ۱۱ سال است که در توقیف به سر می‌برد.

«رستاخیز» یکی از پرحاشیه‌ترین فیلم‌های سال‌های اخیر بوده که سبب شد ساخت پروژه‌های سنگین دینی با ریسک زیادی مواجه شود. احمدرضا درویش فیلم عاشورایی خود را سال ۱۳۹۱ پس از حدود ۱۰ سال به پایان رساند و در جشنواره سی‌ودوم فجر ارائه کرد. «رستاخیز» در آن دوره جایزه‌های زیادی از جشنواره گرفت و حدود دو سال بعد چند ساعت پس از شروع اکران عمومی، با اعتراض عده‌ای بابت به تصویر در آوردن چهره حضرت عباس (ع) از پرده سینماها پایین کشیده شد و ۹ سال به توقیف رفت تا اینکه سال گذشته فقط برای نمایش آنلاین به آن مجوز دادند.

«آشغال‌های دوست‌داشتنی» فیلمی از محسن امیریوسفی، تولید سال ۱۳۹۱ و درباره حوادث سال ۱۳۸۸ است که در هیچ کدام از دولت‌های دهم و یازدهم موفق به گرفتن پروانه نمایش و شرکت در جشنواره سی‌ودوم فجر نشد. «آشغال‌ها...» برای ۶ سال توقیف شد و در نهایت با تغییرات قابل توجه در سال ۱۳۹۷ به اکران عمومی رسید.

در سال ۱۳۹۲ و در جشنواره سی‌ودوم فجر فیلم «عصبانی نیستم» ساخته رضا درمیشیان هم حاشیه‌ساز شد؛ تا جایی که نشست خبری آن لغو و با کناره‌گیری اجباری صاحب فیلم از داوری، حتی جایزه‌های خود را نیز از دست داد. این فیلم که داستان آن در بستر حواشی سیاسی سال ۱۳۸۸ می‌گذشت، توقیف شد و بعد از ۶ سال در اردیبهشت ۱۳۹۷ اکران شد.

«خانه پدری» کیانوش عیاری هم یکی از فیلم‌های توقیفی سینماست که در چند مرحله توقیف و رفع توقیف شده است. این فیلم در سال ۱۳۸۹ ساخته شد ولی مجوز نمایش نداشت تا سال ۱۳۹۲ و در سی‌ودومین دوره جشنواره فجر که فقط امکان نمایش در بخش خارج از مسابقه را پیدا کرد.

یک سال بعد فیلم روی پرده رفت ولی به سرعت از پرده پایین کشیده شد و پنج سال به محاق توقیف رفت.

بعد از آن در سال ۱۳۹۸ فیلم با اصلاحاتی دوباره روی پرده رفت و این بار با دستور قضایی از پرده پایین آمد و چند روز بعد با اعمال رده‌بندی سنی بار دیگر اکران شد که البته زمان بسیار محدودی به آن دادند و بعد بدون آنکه مجوز اکران آنلاین یا عرضه در شبکه نمایش خانگی را بگیرد بار دیگر توقیف شد. فیلم «خرس» محصول سال ۹۰ به کارگردانی خسرو معصومی است که در جشنواره فجر سی‌ام سیمرغ بلورین بهترین صداگذاری (محمدرضا دلپاک) و بهترین بازیگر مرد (فرهاد اصلانی) را گرفت. این فیلم داستان مرد رزمنده‌ای را روایت می‌کند که پس از سال‌ها اسارت در هنگام بازگشت به منزل با ازدواج همسرش روبه رو می‌شود و همین موضوع بهانه اصلی برای توقیف فیلم شد. «خرس» با وجود پیگیری‌های سازندگانش موفق به گرفتن پروانه نمایش نشد تا اینکه سال ۱۳۹۹ و پس از ۹ سال نسخه‌ای از آن قاچاق و در فضای اینترنت پخش شد.

«شیشلیک» ساخته محمدحسین مهدویان یک فیلم کمدی است که سال ۱۳۹۹ در سی‌ونهمین جشنواره فجر رونمایی شد ولی بعد از آن توقیف شده و خبری از مجوز اکرانش نیست. «علت مرگ: نامعلوم» به کارگردانی علی زرنگار از تولیدات سینمایی است که سال گذشته متقاضی حضور در جشنواره فجر بود ولی با وجود نظر مثبت هیات انتخاب پروانه نمایش نگرفت و هنوز بلاتکلیف است.

«قاتل و وحشی» به کارگردانی حمید نعمت‌الله که دو سال پیاپی به دنبال شرکت در جشنواره فجر بود نه تنها به دلایل مختلف موفق نشد بلکه هنوز امکان نمایش عمومی هم پیدا نکرده است.

در حال حاضر اصلی‌ترین دلیل برای نمایش این فیلم حجاب عنوان می‌شود.

«کاناپه» دیگر ساخته کیانوش عیاری در سال ۱۳۹۵ متقاضی شرکت در جشنواره فیلم فجر بود و به گفته محمد حیدری (دبیر وقت آن جشنواره) به دلیل ممیزی به جشنواره راه پیدا نکرد و همچنان در توقیف است. مشکل این فیلم هم حجاب و درواقع پوستیژ (کلاه‌گیس) بازیگران زن است.

فیلم‌های نام‌برده تنها بخشی از آثاری هستند که هم با جشنواره فجر ارتباطی داشتند و هم به نحوی در نمایش عمومی خود دچار مشکلاتی شدند. به‌جز این‌ها آثار دیگری هم هستند که سرنوشت مطلوبی در اکران نداشتند.

گزارش

ترک‌خوردگی چندبنای تاریخی در «خوی»

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان آذربایجان غربی با تشریح وضعیت آثار تاریخی «خوی» در زلزله‌های اخیر گفت: بخش‌هایی از بازار و ساختمان تاریخی شورای شهر، موزه و چند بنای تاریخی دیگر در خوی بر اثر زلزله ترک خورده و تخریب شده‌اند، درحالی‌که آرامگاه شمس آسیب جدی ندیده است. مرتضی صفری در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به پایش و بررسی اولیه بناهای تاریخی شهرستان خوی پس از دو زلزله اخیر که آخرین زلزله ۵.۹ ریشتر قدرت داشت و متاسفانه با تلفات انسانی همراه بود، اظهار کرد: در ۱۰ روز گذشته دو زمین‌لرزه با قدرت بالا در «خوی» رخ داد. پس از زلزله اول، به خوی رفتیم و از بازار تاریخی خوی و برخی بناهای دیگر آن که در معرض خطر تخریب بودند، بازدید کردیم. برخی بناهای تاریخی بر اثر زلزله اول آسیب‌هایی دیده بودند. در زلزله دوم هم دوباره شاهد ایجاد ترک‌ها و ریختن گچ‌بری‌ها از سقف و نمای برخی بناهای تاریخی بودیم و ترک‌خوردگی بیشتر در بازار تاریخی و ساختمان شورای شهر خوی که یک بنای تاریخی است، مشاهده شد. او اضافه کرد: در موزه «خوی» نیز ویترین‌ها آسیب دیده‌اند و حتی یکی از اشیای موجود در موزه هم دچار آسیب شده است. مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان آذربایجان غربی گفت: در شکل کلی تخریب جدی در بناهای تاریخی خوی نداشتیم و برآورد کلی ما این است که برای جبران خسارت‌های ناشی از زلزله‌های اخیر به اعتباری حدود پنج میلیارد تومان نیاز داریم.

صفری همچنین درباره وضعین آرامگاه تاریخی «شمس تبریزی» که در شهر خوی قرار دارد، اظهار کرد: درباره وضعیت این آرامگاه نگران بودیم، اما خوشبختانه آرامگاه شمس آسیب جدی در این زلزله ندیده است و فقط ترک‌خوردگی‌های جزئی در این بنا دیده شده است. همچنین در اطراف مقبره شمس کارگاه‌های ساختمانی وجود داشت که خوشبختانه مجموعهٔ در حال ساخت این محوطه هم آسیب جدی ندیده است. او سپس به ساخت‌وساز در اطراف آرامگاه «شمس» اشاره کرد و گفت: محوطه اطراف این مقبره، کوچک بوده و برای گردشگران فضای مناسب و کافی نداشت، از این رو با تملک زمین‌ها و خانه‌های اطراف این مقبره در حال احداث مجموعه گردشگری هستیم. در سفر اخیری هم که به «خوی» داشتم با شورای شهر و شهردار جلساتی داشتیم و قرار بر این شد که مدیریت شهری هم در این پروژه به ما کمک کنند تا ظرف یک سال آینده این مجموعه به بهره‌برداری برسد. متولی این پروژه میراث‌فرهنگی آذربایجان غربی است و از اعتبارات عمرانی ملی، وزارت میراث‌فرهنگی و سفر ریاست جمهوری برای این پروژه استفاده می‌شود. مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی آذربایجان غربی در پایان، درباره وضعیت پل‌های تاریخی خوی، اظهار کرد: پل‌های تاریخی «خوی» در زلزله آسیب جدی ندیده‌اند.

اخبار کوتاه

لیدا نیک فرید درگذشت

لیدا نیک‌فرید ـ استاد رشته پرستاری و داستان‌نویس ـ از دنیا رفت. مهدی رضایی - مترجم و مدیر کانون فرهنگی چوک - به ایسنا گفت: خانم نیک فرید، استاد دانشگاه شهید بهشتی در رشته پرستاری بود و در حوزه ادبی هم فعالیت می‌کرد و همچنین دو مجموعه داستان منتشر کرده بود. وی خاطرنشان کرد : او با کانون فرهنگی چوک هم ۱۰ سالی در زمینه تولید کتاب‌های صوتی و برنامه طنز استاد استادان همکاری داشت. نیک‌فرید نقش زن استاد را در این مجموعه داشت که توانسته بود مخاطبان بسیاری را جذب کند. رضایی گفت : خانم نیک‌فرید پری‌روز (یکشنبه، نهم بهمن‌ماه) از دنیا رفت و روز گذشته (دوشنبه، دهم بهمن‌ماه) در بهشت‌زهرای تهران به خاک‌سپرده شد. و همچنین روز پنجشنبه(۱۳ بهمن‌ماه) از ساعت ۱۳۰:۳۰ تا ۱۵ در تالار بوستان گفت‌وگو مراسم یادبودش برگزار خواهد شد. به گفته رضایی، نیک فرید دچار بیماری مزمن ریوی بود. مجموعه کتاب «او می‌نگرِد» و «دختر قالی» و داستان‌هایی چون «مهم است چه کسی اول برود تو»، «گنِی»، «خانه قدیمی» و «اتاقش» در سایت‌های ادبی از او منتشر شده است.

موافقت شورای صدور پروانه ساخت آثار سینمایی با دو فیلم‌نامه

شورای صدور پروانه ساخت آثار سینمایی در جلسه اخیر با دو فیلم‌نامه موافقت کرد. به گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان امور سینمایی و سمعی بصری؛ فیلم‌نامه‌های: «شکار هیولا» به تهیه‌کنندگی و نویسندگی محمد سرشار و کارگردانی میثم حسینی و «جریان» به تهیه‌کنندگی هوشنگ نوراللهی، کارگردانی وحید پرشاد و نویسندگی سارا فرهپور موافقت شورای پروانه ساخت سازمان سینمایی را اخذ کردند.

نمایشگاه عکس «طلیعه آزادی» درنگارخانه کلک خیال

به مناسبت فرا رسیدن ایام مبارک دهه فجر، نمایشگاه گروهی عکس با عنوان «طلیعه آزادی» از ۱۲ بهمن ماه در نگارخانه کلک خیال برپا می‌شود. به گزارش روابط عمومی فرهنگسرای اخلاق؛ نمایشگاه «طلیعه آزادی» مشتمل بر ۲۰ اثر با تکنیک مونولوگ سیاه و سفید و در ابعاد ۵۰*۷۰ با موضوع مبارزات مردمی بر علیه رژیم ستم شاهی و ورود امام خمینی (ره) به ایران و استقبال مردم در بهمن ماه سال ۱۳۵۷، توسط عکاسانی چون «عباس ملکی»،» محمد صیاد»، «عبدالحسین پرتوی»، «کاوه گلستان» برگزار می‌شود. علاقمندان به هنرهای تجسمی می‌توانند تا ۲۰ بهمن ماه از ساعت۹ تا ۱۶ از این نمایشگاه در نگارخانه کلک خیال، فرهنگسرای اخلاق دیدن کنند. نگارخانه کلک خیال در خیابان پیروزی ، خیابان شکوفه، خیابان شهید کاظمی جنب بوستان گلزار طبقه دوم فرهنگسرای اخلاق واقع است.

«جعفر جکسون» در نقش «مایکل جکسون»

«جعفر جکسون» برادرزاده ۲۶ ساله «مایکل جکسون» در فیلم زندگی‌نامه سلطان موسیقی پاپ مقابل دوربین می‌رود. به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، این فیلم که «مایکل» نام دارد، اولین نقش اصلی برای جعفر ۲۶ ساله خواهد بود که دومین پسر «جرمین جکسون» برادر بزرگتر «مایکل جکسون» است و حالا قرار است در نقش عمویش سلطان موسیقی پاپ ظاهر شود. «جعفر جکسون» فرزند «جرمین جکسون» است که در سال ۱۹۸۹ و پس از سفری به کشور بحرین مسلمان شد. طبق اعلام پیشین، کارگردانی «مایکل» را «آنتونی فوکوا» بر عهده خواهد داشت که پیش از این ساخت‌های فیلم‌های «روز تمرین» و «اکولایزر» و اخیرا فیلم هیجان‌انگیز «رهایی» را در کارنامه دارد و «جان لوگان» که نگارش فیلمنامه آثاری چون «گلادیاتور» و «اسکال فال» را بر عهده داشت، فیلمنامه آن را نوشته است. «گراهام کینگ» تهیه‌کننده این فیلم اعلام کرد که تیم سازنده «مایکل» قبل از انتخاب نهایی جعفر برای ایفای نقش عمویش، در سراسر دنیا به دنبال بازیگری برای این نقش بوده است. در ساخت این فیلم زندگی‌نامه درباره «مایکل جکسون»، بنیاد این هنرمند آمریکایی نیز همکاری دارد. پس از انتشار سریال مستند دو قسمتی شبکه HBO با عنوان «ترک ناکجاآباد» در سال ۲۰۱۹، که شامل اتهامات سوء استفاده جنسی از کودکان توسط جکسون بود، بنیاد این خواننده ضمن محکوم کردن این مستند آن را یک ترور شخصیت توصیف کرد و بر بی‌گناهی «مایکل جکسون» تاکید کرد.

سری جدید «هشدار برای کبرا ۱۱» آماده پخش شد

سری جدید سریال اکشن «هشدار برای کبرا ۱۱» (فصل ۴۸) به کارگردانی فرانکو توزا و کریستین پاشمن پنجشنبه‌ها ساعت ۲۳ از شبکه پنج سیما پخش می‌شود. به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی سیما، فصل ۴۸ سریال «هشدار برای کبرا ۱۱» محصول ۲۰۲۱ آلمان است در هشت قسمت ۴۵ دقیقه‌ای روی آنتن می‌رود. بی هیچ دردی، آزادی مشروط و ... عنوان فهرست سری جدید این مجموعه پلیسی است که هر هفته پنجشنبه‌ها از شبکه پنج پخش می‌شود. سریال «هشدار برای کبرا ۱۱» شروع موفقیت‌آمیز خود را سال ۱۹۹۶ در شبکه RTL آلمان آغاز کرد. دو شخصیت اصلی سریال دو افسر پلیس بزرگراه آلمان هستند که کار تعقیب مجرمان در بزرگراه‌ها و تأمین امنیت در جاده‌های اطراف شهر را به عهده دارند. حادثه، برخورد، تصادف، پرواز خودروها در هوا و انفجار تقریباً پای ثابت تمام قسمت‌های این سریال آلمانی است.